



آزادی‌های اجتماعی محمد بن سلمان سرپوشی برای سرکوب آزادی‌های سیاسی است

# نمایشنامه فضای باز سیاسی



سید مهدی طالبی

روژنامه‌نگار

«محمد بن سلمان» تا پیش از رسیدن به مقام ولیعهدی دوران سختی را در زندگی اش تجربه نکرده بود. ستاره شانس و اقبال او زمانی اوج گرفت که پدرش «سلمان بن عبدالعزیز» با مرگ پی‌درپی برادرانش، بالاخره در سال ۲۰۱۵ و هنگامی که ۸۰ سال سن داشت، به پادشاهی رسید. ملک سلمان در همان ابتدای کار فرزندش را به وزارت دفاع رساند و رقبای آتی وی را به انزوا کشاند. کمتر از دو سال بعد، بن سلمان ولیعهد شد، اما همچنان از معضل تولد «زودرس» در دنیای سیاست رنج می‌برد. او در ابتدای پادشاهی پدرش عملاً قدرت را در دست گرفت، اما نگاهی ساده به سیاست داشت. او گمان می‌کرد طی سه هفته می‌توان صنعا پایتخت یمن را اشغال کرد، شرکت ارزشمندارامکو را می‌توان به راحتی فروخت و درآمد آن را صرف سرمایه‌گذاری کرد، می‌توان ایران را نامرکز کرده و جنگ را به این کشور کشاند، علمای مذهبی عربستان را می‌توان زندانی کرد و منتقدان را در هر جای جهان با اهر قطعه قطعه کرد.

حضور دونالد ترامپ این امکان را به بن سلمان داد تا فانتزی‌های وحشتناکش را عملیاتی کند. اکنون اما شرایط کمی تغییر پیدا کرده و ولیعهد سعودی به‌سادگی قبل نمی‌تواند جنایت بکند. در سال ۲۰۲۱ نتایج سیاست‌ها و اندیشه‌های بن سلمان واضح‌تر از گذشته در دسترس هستند. جنگ در یمن گرچه از مدت‌ها پیش نتیجه آن آشکار شده بود، اما تحولات جدید در این کشور وقایعی را رقم زده است که ریاض هیچ‌گاه در بدترین سناریوهای خود نیز آنها را لحاظ نکرده بود. در حوزه اقتصادی عربستان با وجود سال‌ها تلاش موفقیتی برای جذب سرمایه‌های کلان نفتی نیافته و خود نیز به دلیل کاهش شدید قیمت‌های نفت، پولی برای ایجاد تغییرات اساسی در اقتصادش نداشته است. بن سلمان به معنای واقعی کلمه یک شکست خورده است؛ گرچه همچنان ثروتمند است و قدرت پیشین عربستان همچنان مانع از فروپاشی کشور شده و پادشاهی پدرش نیز مانعی بر سر انتقام جویی از او شده، اما معلوم نیست این وضعیت دوام داشته باشد. بن سلمان دشمنان سرسختی در داخل خاندان پادشاهی دارد؛ دشمنانی که دیر یا زود از او انتقام خواهند گرفت.



## زیربنای اقتصادی روپاردازانه

اداره پرخرج کشور نخواهد بود. بن سلمان در همین راستا برنامه‌هایی را برای توسعه شیوه‌های تولید برق در کشورش طراحی کرده است. او به دنبال ساخت ۱۶ رآکتور هسته‌ای است. عربستان در سال ۲۰۱۹ تولید برق خورشیدی را نسبت به سال قبل آن ۵ برابر کرد. در سال جاری میلادی نیز سعودی‌ها نخستین نیروگاه بادی خود را با نام «دومه الجندل» با ظرفیت ۴۰۰ مگاوات افتتاح کردند. براساس طرح ۲۰۳۰ عربستان، این کشور باید در پایان موعد یک سوم انرژی خود را از نیروگاه‌های خورشیدی و بادی و ۲۰ درصد را نیز از طریق منابع هسته‌ای تأمین کند.

توصیه‌های رایج بین‌المللی اما برای هر کشوری کارآمد ظاهر نمی‌شوند. بن سلمان برای تغییر مسیر اقتصادی خود وارد صلح با رژیم صهیونیستی شده است و همچنین با سرکوب محافظه‌کاران مذهبی به دنبال ایجاد فضایی امن از نظر سرمایه‌گذاران است. این موارد اما هیچ‌گاه به صورت اثبات‌شده‌ای باعث سرازیر شدن سرمایه‌گذاری به یک کشور نشده‌اند که عربستان بخواهد دومین نمونه باشد. آنچه عربستان برای تغییر ساختار اقتصادی به آن نیازمند است با چنین دستکاری‌هایی در داخل و خارج به دست نمی‌آید. اقداماتی که بن سلمان در راستای ایجاد ساختار اقتصادی جدید انجام داده است نمتنها به کمک عربستان نیامده بلکه برای شخص وی نیز دستاوردی نداشته است.

درآمدهای حاصل از آن را در داخل عربستان سرمایه‌گذاری کند.

راه دیگری که سعودی‌ها در پیش گرفته‌اند توسعه صنعت گردشگری است. مهم‌ترین مانع در رشد این صنعت در عربستان وهابیت است. با محدود کردن وهابیت و کاهش اختیارات علمای آن، بن سلمان کوشیده تا با بهره‌گیری از سواحل گسترده عربستان سعودی دست به ایجاد تفرجگاه‌های بین‌المللی زده و سالانه چند میلیون گردشگر را حداقل در سطوح منطقه‌ای و جهان عرب، به این کشور جذب کند.

اقدام دیگر بن سلمان پیش از پایان دوره درآمدهای یادآورده نفتی، ایجاد اصلاحات در ساختار انرژی عربستان است. جمعیت عربستان سعودی ۴۰ درصد جمعیت ایران است اما مصرف برق آن ۷ درصد بیشتر از ایران است. با این وجود بخش انرژی عربستان تفاوت‌های دیگری نیز با کشوری مانند ایران دارد. این کشور به دلیل کمبود منابع آبی از نیروگاه‌های برق-آبی محروم است و همچنین به دلیل عدم دسترسی به منابع گازی تا ۴۰ درصد بیشتر از ایران در نیروگاه‌های حرارتی خود از سوخت مایع شامل ازت استفاده می‌کند. تمام این موارد نشان‌دهنده سطح «گران اداره شدن» عربستان به‌ویژه در حوزه انرژی هستند.

عربستان در زمانی که نفت در سطح قیمت‌های بالا معامله نشود، دیگر قادر به

در عربستان نفت بر همه چیز تأثیر می‌گذارد. درآمدهای کلان نفتی باعث رشد بخش‌های خدماتی اقتصاد شده و جذب تعداد زیادی مهاجر خارجی به عربستان سعودی را در پی داشته است. از جمعیت ۳۴ میلیونی این کشور تنها ۲۷ میلیون نفر عربستانی هستند. این درآمدها همچنین باعث شده تا عربستان و خاندان آل سعود توانایی بازگیری زیادی در منطقه داشته باشند. بدون صرف پول، ایده‌های وهابی و تکفیری هیچ‌گاه نمی‌توانست به میزان فعلی در جهان اسلام گسترش یافته و باعث تخریب شود.

ایده اصلی اصلاحات اقتصادی عربستان که بن سلمان عهده‌دار اجرای آنهاست بر مبنای «کاهش شدید درآمدهای نفتی در دهه‌های آتی» شکل گرفته است. بنا بر پیش‌بینی‌ها در دهه‌های آتی نیاز به نفت به چند دلیل کاهش خواهد یافت. دلیل نخست پیشرفت‌هایی است که می‌تواند باعث سهولت برداشت نفت از میادین شده و انحصار تولید را از دستان بازیگران فعلی خارج سازد. نمونه عینی این موضوع را می‌توان در فناوری‌های شکست هیدرولیکی و نفت شیل آمریکا دید که این کشور را به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت تبدیل کرده است. مورد دوم به آن دسته از پیشرفت‌های علمی بازمی‌گردد که شامل بهره‌وری بیشتر دستگاه‌ها می‌شوند و می‌توانند آنها را با صرف انرژی کمتری فعال نگاه دارند. مورد سوم نیز به تلاش کشورها برای کاهش عمق بحران تغییرات اقلیمی مربوط



## آزادی اجتماعی و سرکوب مخالفان سیاسی

به «انفجار سیاسی-اجتماعی» در صورت عدم اجرای اصلاحات سیاسی هشدار داد. او در سال ۲۰۱۷ قربانی پاکسازی دوم در زمان محمد بن سلمان شد. در این میان تنها برخی آزادی‌های محدود به یهودیان داده شده که از صدها سال قبل در عربستان حضور چندانی نداشته‌اند. سرکوب وسیع تمامی طیف‌های متعارض موجود در عربستان از شیعیان گرفته تا وهابی‌ها و همچنین آزار شاهزادگان با افتتاح نمایشی یک یاد و کنیسه یهودیان قابل جبران نیست و گامی به سوی توسعه سیاسی به حساب نمی‌آید.

اگر تا پیش از این از میان شهروندان سعودی تنها این شاهزادگان بودند که قدرت اظهارنظر داشتند، با انتصاب بن سلمان به‌عنوان ولیعهد تکلیف این جمع محدود نیز مشخص شده است و امروز تنها بن سلمان و نهائیتا پدر پادشاهش قدرت اظهارنظر دارند. گفته می‌شود بن سلمان کار را به جایی رسانده است که حتی مادرش و برادرش بندر بن سلمان نیز به دلیل انتقاد نسبت به شیوه اداره عربستان به‌ویژه اصلاحات داخلی و جنگ در منطقه به گونه‌ای در حبس قرار گرفته‌اند. بن سلمان شورای ۳۴ نفره بیعت را که برای کنترل مناسبات داخلی خاندان سعودی و اثرگذاری بر انتخاب ولیعهد تشکیل شده، به دلیل وجود مخالفت در آن نسبت به ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی تحت فشار قرار داده و برخی از آنها را نیز زندانی کرده است.

در عربستان دو ستون شامل خاندان سلطنت و شبکه وهابیت وجود دارد که اولی بر دومی تسلط و حاکمیت دارد. اگر در خاندان سلطنت حجم و شدت دستگیری‌ها تا این میزان گسترده باشد باید دانست که فشارها بر شبکه مذهبی عمیق‌تر است. بن سلمان در حوزه آموزش ۱۲ هزار معلم را از خدمت منقصل یا بازداشت کرده است. همچنین تعداد زیادی از معلمان خارجی حاضر در این کشور که دارای تفکرات مذهبی بوده‌اند، اخراج شده‌اند.

میله‌های زندان انداخته شدند. حداقل چهار فعال زن برجسته که برای حق زنان در رانندگی مبارزه کردند و پیروز شدند، و همچنین اندیشمندانی که خواستار اصلاحات سیاسی بودند، سال‌هاست که در زندان‌ها به سر می‌برند. براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر، علی‌رغم خشم ناشی از قتل خاشقچی، ۱۲ نویسنده و فعال تنها در آوریل ۲۰۱۹، تنها ۶ ماه پس از مرگ او زندانی شدند. سعودی‌های در تبعید و همچنین سازمان‌های بشردوستانه به فارین پالیسی گفتند درحالی که رژیم سلطنتی با یک دست آزادی‌های اجتماعی اعطا می‌کند، با دست دیگر مخالفان سیاسی را که قبلاً هرگز نداشته‌اند، سرکوب کرده است.

در عربستان سعودی با آزادی‌های اجتماعی به این شکل، یک ثنویت می‌تواند یک فعال، یک نویسنده یا هرکسی را پشت میله‌های زندان ببنداند. عربستان سعودی همیشه به‌خاطر سابقه حقوق بشری خود مورد انتقاد قرار گرفته؛ اما دو تحول در دهه گذشته باعث لغزش شدیدتر به سمت استبداد شده است: بهار عربی و ظهور محمد بن سلمان به‌عنوان ولیعهد.

تا آغاز بهار عربی، علما و فعالان سعودی زمانی که درباره اصلاحات نهادی، از جمله نوعی از دموکراسی بحث می‌کردند، تا حدی تحمل می‌شدند. زمانی که تظاهرکنندگان به خیابان‌های قاهره، منامه، طرابلس و دمشق آمدند، این امر به‌سرعت متوقف شد. وکلا و وبلاگ‌نویسان جزء اولین کسانی بودند که دستگیر شدند. با پیشرفت بهار عربی و قدرت‌گیری اخوان المسلمین، این به‌عنوان تهدیدی از سوی خاندان سلطنتی تلقی می‌شد که می‌تسیدند ترکیب مشابهی از توده‌ها را در عربستان سعودی به سمت به چالش کشیدن سلطنت سوق دهد. از جمله شخصیت‌های برجسته سعودی که از قیام‌ها حمایت کردند، سلمان العوده بود که در سال ۲۰۱۳ نامه‌ای به دولت نوشت و نسبت

مجموعه اصلاحاتی که او انجام داده، با تمرکز بیشتر قدرت در خاندان سلطنتی عربستان بوده است. در واقع هدف دولت سعودی جلب نظر جوانان عربستان سعودی - دوسوم جمعیت عربستان سعودی زیر ۳۵ سال هستند - و منصرف کردن آنها از به چالش کشیدن سلطنت است. براساس همین، سوءظن‌هایی وجود دارد که ساختارهای قدرت، ایجاد کمیسیون‌ها و دفاتر جدید و ایجاد سریع تغییرات تنها راه برای محمد بن سلمان برای انباشت قدرت و اطمینان از وفاداری کارمندان دولت به او است. تحلیلگران می‌گویند در عربستان سعودی الگویی درحال ظهور است که ظاهراً مذهب را به حاشیه می‌برد، اما قدرت سیاسی را در خاندان سلطنتی سعودی تثبیت می‌کند.

برای درک واقعیت اصلاحات بن سلمان، می‌توان از شاخص توسعه سیاسی بهره برد. توسعه سیاسی نیازمند کارایی بیشتر و بهبود عملکرد یک نظام در حوزه‌هایی مانند محرومیت، میزان مشارکت مردمی در دولت، اصلاح طبقات اجتماعی، توانمندی در حل بحران‌های سیاسی و میزان آزادی‌های سیاسی و... است. عربستان پس از حداقل ۵ سال از آغاز اصلاحات بن سلمان چه پیشرفت‌هایی در این حوزه‌ها داشته است؟ محرومیت‌ها و سرکوب اقلیت‌های مذهبی و سیاسی در این کشور نمتنها کاهش نیافته است بلکه شاهد افزایش خیره‌کننده‌ای بوده، به گونه‌ای که با دستگیری و ترورهای گسترده حتی شاهزادگان همراه بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد دستگیری‌ها و حتی اعدام منتقدان در چند سال اخیر به شدت افزایش یافته و فضای ترس به‌ویژه از محمد بن سلمان را در میان بسیاری از سعودی‌ها تقویت کرده است. صدها نفر از جمله شهزاده محمد بن نایف، مردی که با سازمان‌های اطلاعاتی غربی در نبرد علیه القاعده هماهنگ بود و به‌عنوان سنگر غرب در تشکیلات ریاض تلقی می‌شد، پشت

در سال ۲۰۱۶ محمد بن سلمان مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی-اجتماعی را با هدف مدرنیزاسیون عربستان سعودی در دستور کار قرار داد. صدور مجوز برای رانندگی زنان، اجازه به زنان برای سفر و لغو ممنوعیت چنددهه‌ای سینما، بخشی از اقداماتی بود که او در دستور کار خود قرار داد. این اصلاحات که در قالب به اصلاح چشم‌انداز ۲۰۳۰ اجرایی می‌شد، به مرور شتاب بیشتری گرفت تا برخی تحلیلگران چنین بگویند که سیاستگذاران سعودی پای خود را روی گاز گذاشته‌اند. چنین اصلاحاتی از سوی جمعیت جوان سعودی مورد توجه قرار گرفته؛ اما «ناتان براون»، استاد علوم سیاسی، یکی از اعضای ارشد برنامه خاورمیانه کارنگی، به دوپچه‌وله گفته که سوال آزاردهنده اکنون این است که اصلاحات درحال ایجاد چه الگویی هستند؟ او خاطر نشان کرد: «واکنش کلی من این است که بگویم آنها بخشی از یک روند آزادسازی جالب‌توجه در برخی حوزه‌های اجتماعی هستند اما در حوزه‌های سیاسی نه.»

تحلیلگران بنیاد کارنگی استدلال می‌کنند که بسیاری از تغییرات به جای یک بازنگری معنادار، منجر به تغییر در پرسنل، رویه، پروکراسی و قوانین شده است و از این رو بسیاری از این تغییرات هنوز هم قابل برگشت هستند. مجموع این اصلاحات گامی مثبت است؛ اما به اعتقاد تحلیلگران، تلاش بن سلمان برای مدرنیزاسیون عربستان، ریشه‌ای ملی ندارد بلکه هدف غایی آن ترسیم تصویری مثبت از شخص بن سلمان در نگاه دولت‌های غربی و رسانه‌هاست. به‌عبارت بهتر اصلاحات اجتماعی اخیر عربستان سعودی بیشتر به دنبال جلب توجه بین‌المللی است تا بهبود زندگی شهروندان خود در داخل. بن سلمان می‌خواهد با نشان دادن خود به‌عنوان عنصری مدرن، توجه سران غربی را به خود جلب کرده و از مخالفت‌های آنها نسبت به پادشاهی اش بکاهد.

از این رو نمی‌توان اصلاحات بن سلمان را از لحاظ ذهنی چندان عمیق نامید.



## سیاست خارجی بلندپروازانه

شهر مارب را از سه سمت و نیز آزادسازی مجدد سواحل غربی یمن از دست ائتلاف عربی درحال رقم زدن پیروزی نهایی هستند. شکست در جنگ پرهزینه یمن آخرین چیزی است که بن سلمان در شرایط فعلی اش به آن نیاز دارد. او گرچه با سرکوب داخلی زمینه‌های بروز اعتراض علیه خود را تا حد زیادی از بین برده است اما شکست برای دیکتاتورهای می‌تواند به عاملی برای تندخوتر شدن و افزایش بدبینی منجر شود. این عوامل می‌توانند برای بن سلمان دشمنان بیشتری تراشیده و آینده پادشاهی وی را نامعلوم کنند.

سعودی‌ها در حوزه سیاست خارجی یک شکست دیگر را نیز در همسایگی خود شاهد بوده‌اند. این شکست گرچه در یک جنگ نظامی نبوده اما دست کمی نیز از یک تنش شدید نداشته است. سعودی‌ها در سال ۲۰۱۷ با همراهی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به اضافه مصر و اردن قصد داشتند ضمن

عربستان سعودی به جز حضور در چند جنگ کوتاه منطقه‌ای در هیچ جنگ سختی به شکل مستقیم وارد نشده بود. ریاض تا پیش از جنگ یمن حضور کم‌رنگ در جنگ‌های اعراب با رژیم صهیونیستی را تجربه کرده و در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی نیز در کنار آمریکا وارد نبرد «آزادسازی کویت» شده بود. تمام این جنگ‌ها بسیار کوتاه‌مدت بوده و دیگران در آن نقشی پررنگ‌تر از سعودی‌ها داشتند.

این مساله اما در سال ۲۰۱۵ در جریان تجاوز به یمن نقض شد. در این سال سعودی‌ها به‌طور مستقیم وارد جنگ با همسایه جنوبی خود شدند. در این جنگ گرچه ریاض از حضور نیروهای نیابتی در یمن نیز بهره می‌برد اما خود نیز ناچار از حضور میدانی است. گفته می‌شود جنگ در یمن که حالا وارد هفتمین سال خود شده است، سالانه تا ۶۰ میلیارد دلار هزینه دارد.